انترناسیونال 786

حسن صالحی

**تعفن دوسوی نزاع بر سر مهریه**

بر سرمهریه میان یک عمامه به سر کله پوک حوزه نشین (ناصر مکارم شیرازی) و عمامه به سر دیگری که ریاست قوه قضائیه را بر عهده دارد، صادق لاریجانی، جنگ و دعوایی در گرفته است. یکی می گوید "قوه قضاییه بر خلاف نظر اسلام، مردان را مجبور می کند در صورت نداشتن توانایی مالی، مهریه را قسطی بدهند و تا تمام نشدن قسط زن نباید از مرد تمکین کند. و دیگری جواب می دهد: "ما از پس کوه قاف نیامده ایم. ما نگفتیم زن اگر مهرش را نگرفت تمکین نکند، ما گفتیم می‌تواند تمکین نکند. "

صرفنظر از اینکه در نزاع کرکسان اسلامی با یکدیگر همیشه تمکین زنان به مردان فرض گرفته می شود سئوال این است که چرا جدال بر سر مهریه بالا گرفته است؟ طبعا این جدال جنبه های مختلفی دارد. یک دلیل دعوای حکومتی بر سر مهریه به این خاطر است که بر خلاف ضرب المثلی که می گوید "مهریه را کی داده و کی گرفته" زندانها پر از محکومانی است که نتوانسته اند مهریه خود را بپردازند. راه حلهایی که دو طرف نزاع برای رفع این مشکل ارائه می دهند تفاوت چندانی ندارند. زن و مرد در این رویکردها هر دو در مرداب گندیده اسلامی خفه می شوند. چرا که در آن کشور اسلام زده قوانین ارتجاعی هزار و چهار صد سال پیش شیوخ صحرای عربستان حکم می راند.

اگر قوانین ارتجاعی شرع بر کشور حاکم نبود و اگر قوانین انسانی و مساوات طلبانه در جامعه برقرار بود، می بایست هرگونه معامله گری در ازدواج نظیر تعیین شیربها، جهیزیه، مهریه و غیره بعنوان شروط ازدواج ممنوع می شد. واقعیت این است فلسفه وجودی چیزی به اسم مهریه بهاي فروش زن به شوهر است. یعنی زن رسما کالاست و او در ازای مبلغی به فروش میرسد. اینکه عده ای می گویند در اسلام مهریه به "هدیه" و یا "عطیه" تغییر یافت صحت ندارد. چرا که به حکم قوانین اسلامی در ایران شما اگر این "هدیه" را ندهید راهی زندان می شوید. در بحث مهریه عشقی حاکم نیست. روابط خانوادگی با فرهنگ مردسالارانه معامله گرایانه شکل می گیرند. زنی را می خرید و او موظف است به شما سرویس جنسی بدهد. اگر شوهر قبل از برقرار کردن ارتباط جنسی با زن منصرف شود باید نصف مهریه را بپردازد و چنانچه شوهر از پیش همه مهریه را پرداخته باشد حالا می تواند نصف آنرا پس بگیرد. استقلال و حقوق برابر زن در عوض پولی که از طریق مهریه می تواند نصیبش می شود، از او سلب می گردد. کل این مناسبات و روابط تبعیض آمیز، توهین آمیز و مبتنی بر تملک مرد بر زن است.

بهترین راه حل برای مقابله با این قوانین و مناسبات واقعا کثیف و توهین آمیز و ضد انسانی و زن ستیزانه همان چیزی است که نسل جوانتر جامعه در عمل اختیار کرده است. پدیده ای بنام "ازدواج سفید" که بر روابط عاطفی و دواطلبانه طرفین و بدور از قوانین معامگرایانه شکل گرفته است. زن برای تضمین زندگی خود بعد از طلاق نباید نیازمند مهریه ای باشد. پیش از آن باید در قانون و در عمل از حقوق برابر برخوردار باشد. در امر طلاق و امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی طبعا زن و مرد باید از حقوق و ظایف برابر برخوردار باشند. همچنین برابری حقوق طرفین در هنگام جدایی نسبت به دارایی ها و امکاناتی که در طول زندگی مشترک عاید خانواده شده، و یا در طول زندگی مشترک مورد استفاده کل خانواده بوده است، باید تضمین شود. اینها حداقل قراردادهای اجتماعی قابل قبول از نظر عقل و منطق انسانی است. اما برای همین ها هم باید اول از شر حکومت اسلامی سرمایه داران که با هیچ منطقی جز توحش جور در نمی آید، خلاص شد.